
شبه‌وفا‌های سرخ‌پوستی

حسین بابازاده مقدم

سرشناسه	:	بابازاده مقدم، حسین، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	شبه عرفان‌های سرخ‌پوستی / حسین بابازاده مقدم.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه فرهنگی هنری سیب سرخ نیکان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۸۴ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸۶۲۲۹۵۰۱۲۰۷
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	چاپ قبلی: کتاب ابرار، ۱۳۹۵.
موضوع	:	عرفان سرخ‌پوستی
رده‌بندی	:	Mysticism – Indians
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۹۷ ب۲ع۴/ع۹
زبان	:	فارسی (ری)
شابک ملی	:	۵۴۲۶۲۳۹



عنوان:	شبه عرفان‌های سرخ‌پوستی
مؤلف:	حسین بابازاده مقدم
ناشر:	موسسه فرهنگی هنری سیب سرخ نیکان
صفحه‌آرا:	میشم نقی‌لو
طراح جلد و یونیفرم:	سهیل صمدی بهرامی، امیرنید سیدی فرد
نوبت و تاریخ چاپ:	اول / ۱۳۹۷
شمارگان:	۲۰۰ نسخه
قیمت:	۱۲۰۰۰ تومان
تلفن پخش:	۰۲۱-۶۶۱۵۷۳۳۸ و ۰۹۱۲۸۹۸۷۱۰۶
فروشگاه اینترنتی:	www.hypersian.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	الف) مبانی دانشی سرفال سرخ پوستی
۲۴	سختی دریا، دون، روان
۲۵	ریشه های تاریخی
۲۸	مکتب دون خوان را نه بنیم؟
۳۰	اثرگذاری کتاب های کاساندا در ایران
۳۵	ب) مباحث معرفتی
۳۵	ادراک چیست؟
۳۶	آگاهی سوی راست و چپ بدن
۳۷	پیوندگاه
۳۸	«عقاب» سرآغاز و فرجام آگاهی
۳۹	ویژگی های سالک برای کسب آگاهی
۳۹	۱. جنگجویی
۴۱	۲. سالک به مثابه یک شکارچی
۴۲	۳. بی نیازی
۴۲	۴. عقل ستیزی
۴۲	۵. فقط راه دل
۴۳	۶. ناگوال
۴۷	۷. بایستگی نیرنگ در آموزش
۴۹	ج) شناخت جهان و انسان
۴۹	واقعیت و پندار
۵۰	حقیقت انسان
۵۱	انسان بی شکل
۵۱	مرگ

۵۳	(د) فنون و دستورالعمل‌ها
۵۴	۱. فنون برای کسب اقتدار
۵۴	۱.۱. دویدن در تاریکی
۵۴	۱.۲. خودداری از آمیزش جنسی
۵۵	۱.۳. هر عمل، آخرین نبرد
۵۵	۱.۴. تغییر نوع تصور از خود
۵۶	۱.۵. انتخاب مکان قدرت
۵۶	۲. خاموش ساختن گفت‌وگوی درونی
۵۶	۲.۱. ترک عادت
۵۷	۲.۲. به‌کارگیری دومین قدرت
۵۸	۲.۳. عمل بدون چشم‌داشت فایده
۵۹	۲.۱. حماقت اختیاری
۶۰	۲.۱. نفی گذشته شخصی
۶۲	۲.۶. عملی
۶۲	۲.۷. درس راه رفتن
۶۳	۲.۸. حیره شتر
۶۴	۲.۹. حرکت‌های سنگین
۶۴	۳. دگرگونی (نقطه تحمّل) معنای شهودی: هنر رؤیابینی
۶۹	پیوست‌ها
۶۹	۱. گیاهان روانگردان
۷۴	۲. جیق مقدس
۷۶	۳. قانون عقاب
۸۰	۴. کریستال‌ها
۸۳	منابع

از زمان پیدایش دینیت به مفهومی به دنبال آن زاده شد که نامش را «عقل نقاد خودبنیاد» دادند. علی که به هیچ چیز دیگری محتاج نبود، حتی آموزه‌های آسمانی؛ این گونه تا سده اول میلادی دستاوردی که برای بشریت به همراه آورد، تغییر شکل در نوع تفکر بود. سانسو مکر کردند چرا به جای این که خود را با جهان هماهنگ کنند جهان را زیر سبصر و اکمیت خود قرار ندهند؟ این بود که علوم تجربی را برای به دست آوردن ابراهیمی کنز و جهان و طبیعت رونق دادند.

به قول زیست‌شناس فرانسوی سلول یک ماشین است؛ حیوان یک ماشین است، انسان یک ماشین است؛ پس حالا که همه چیزها ماشین است، چه چیز دیگری جز علوم تجربی می‌خواهیم؟ هیچ!

بنابراین انسان هم یک مکانیسم بیوشیمیایی پیچیده تلی است! یک سیستم احتراقی که به رایانه‌هایی انرژی می‌دهد. رایانه‌هایی که تسهیلات فیزیکی، ایبرای نگه‌داری اطلاعات دارند.

اما مدتی بعد اصول فکری مدرنیسم یکی پس از دیگری مورد سؤال قرار گرفتند. منتقدان اولیه نقدهایشان را اول با همان عقل نقاد خودبنیاد شروع کردند. کانت پرسید: «اصلاً ما چقدر درست می‌شناسیم؟» بسیاری از کتاب‌های پوزیتیویست‌های قرن هجدهم منسوخ شد و نظریاتشان در باره علوم تجربی زیر سؤال رفت. گروهی پیدا شدند که نامشان شد «پست مدرن». این گروه مسئولیت نكوهش مدرنیته با تمام تعلقاتش را بر عهده گرفتند.

اما در این اثنا و در میان همه این هجمه‌هایی که انسان‌ها را در محدوده عقل، تجربه و در یک کلام اومانیزم قرار داده بود، اتفاق تازه‌ای هم رخ داد. در دسامبر ۱۹۹۴ نشریه اکسپرس در مطلبی نوشت:

آیا خطای چشم است که می‌بینیم جامعه غربی که آرام‌آرام از خدا دور می‌شد، اکنون آرام‌آرام به خدا باز می‌گردد؟

الافقه به شبه‌عرفان‌های شرقی در غرب سال‌هاست که رشد پیدا کرده‌است. طالع‌بینی و کف‌بینی و کارهای جادویی و سحرآمیز و رازوری که مدت‌ها از مد افتاده بود، دوره مشتریان خودش را پیدا کرد. روان‌کاوی و هیپنوتیزم و پدیدهای تراجم که حالات بی‌خودی و خودتهی‌پنداری را در انسان‌ها ایجاد می‌کردند، از هر گونه سر برآوردند. حال دیگر همه قبول کرده بودند که مفهوم معنویت با نام ستعار «تافیک» به میان آنها برگشته است؛ اما این بار نقابی به چهره زده بود و در تکرار، «تورات» (گاهی هم توهمات) انسان‌ها به دام افتاده بود. به‌طوری که مسخص نبود، کدام چهره‌اش واقعی است؟

برخی معتقدند همه این پدیده از بیماری تمدن مدرن حرف می‌زنند. همان‌طور که فرهنگ رپ (در واقع) نوعی اعتراض به شیوه زندگی جدید است. یا گروه‌هایی مثل «پینک فلوید» نوعی اعتراض در سر می‌تانی‌اند. این گروه‌ها هم نوعی اعتراض فرهنگی به تمدن جدید هستند. رنه گونز، یک فرانسوی، این گروه‌های معنوی را شبه دین، دین دروغین و دین‌نما و دین‌های دروغین را «رازآموزی معکوس» می‌نامد.

ویژگی اکثر این عرفان‌ها و آیین‌ها، رفتار شخصی و غیر اجتماعی و مسئولیت‌پذیر نبودن آن‌هاست. همین نوع رفتار خاص منجر به این شد که مسئله جهانی عدالت برای بسیاری از آن‌ها بی‌اهمیت باشد. آنچه در عمل از این گروه‌ها می‌بینیم بی‌اعتنایی به بی‌عدالتی و ماندن در فردیت و رسیدن به مدارج

بالای به اصطلاح عرفان است. این نکته فقط در مورد عرفان‌های جدید مطرح نمی‌شود. گروه‌هایی از عرفان اسلامی هم هستند که به مسائل اجتماعی بی‌اعتنا هستند و تنها فردیت پیروان خود را مورد توجه قرار می‌دهند.

وجه اشتراک همه این گروه‌ها، برخورداری از ایدئولوژی نهیلیستی است. همه این گروه‌ها پوچ‌گرا هستند؛ یعنی موضوعاتی که در باب هدف آفرینش، کمال سانس، قرب به خدا و غیره مطرح است را کنار گذاشته‌اند و معتقدند هیچ هدفی در این عالم نیست و یک دنیای بی‌معنایی انسان را احاطه کرده که ارزش زیستن هم ندارد. دیگر آنچه باورهای معاند و مخالف با دین دارند؛ زیرا مهم‌ترین مانع برای بسط تفکر نهیلیستی را دین می‌دانند.

این جریان در سال نیز نبرد کرد و اکنون در حال تطبیق و گسترش خود در میان کسانی است که در معاضد «اسلام» با «تجدد» این جریان‌های به اصطلاح عرفانی را پذیرا می‌شوند و آن را «سازارح معنویت» عصر پست مدرن» می‌خوانند.

تجدد و تمدن جدید با همه ابعاد و دربرده‌هایش، محصول خودبنیادی بشر غربی و انحراف تمام‌عیار او از آموزه‌های دینی است. آن چیزی هم که امروز ذیل نام «عرفان‌های نوین» اعم از معنویات و ادبی و آه‌رانه‌های موفقیت در جامعه ایران ترویج شده و سیطره می‌یابد، تعارض ماهوی را کلی با آموزه‌های دینی و به‌طور خاص اسلامی دارد.

عرفانی که به‌طور خاص در اینجا مورد توجه قرار گرفته، جریان «عصر عرفان سرخ‌پوستی» است. جریانی که از زمان ترجمه کتاب‌هایش «ایران توانست مخاطبان زیادی بیابد و حتی به اعتقاد برخی از پژوهش‌گران به یک جریان «فرهنگی» در کشور تبدیل شود.

عرفان سرخ‌پوستی در دهه‌های اخیر به‌صورت غیر تئوریک و کاملاً کاربردی در جهان رواج پیدا کرده است. بسیاری آن را حاصل توهمات و خرافاتی می‌دانند که مروجان اولیه آن مستوجب گسترش آن شده‌اند. اما تعالیم و روح مسلط بر این

عرفان با عقل بشر امروز سازگار نیست و همین امر به شکل مدون و امروزی آن اجازه طرح داد و از آن به‌عنوان یک تفکر جدید در مقابل عقل و دین دفاع کرد.

دلایل شیوع این عرفان‌ها متعدد است. از مهم‌ترین این دلایل این است که امروزه ما مدل زندگی‌مان را از غرب وارد می‌کنیم؛ از استفاده از تکنولوژی گرفته تا نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و غیره؛ تبعات ناخوشایند این امر برای بختگان ما محرز است. اما به‌هر حال از نحوه شهرسازی‌مان گرفته تا برم‌افزارهای حکومتی و اجرایی و مدیریتی جامعه‌مان همه را از غرب می‌گیریم و ملتشیون این است که ساماندهی زندگی نیاز به دانش دارد و دانشی که امروز در ایران بدان توسل می‌جویند بر مبنای دانش غربی است. غربی‌ها نیز در راستای ارزش‌های سکولار خود این دانش را تولید کرده‌اند. بنابراین چون مدل برخی زندگی‌ها غربی شده است، معنویت هم نسبت به معنویت غربی پذیراتر هستند. زیرا انسجام سائت‌ها، مختلف زندگی را در راستای ارزش‌های غربی حفظ می‌کنند و به راحتی معنویت غربی را می‌پذیرند. معنویتی که ناظر به نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی غرب تریف شده و با آن سازگار است.

اما به‌طور کلی شبه‌عرفان‌های آمریکایی به سه دسته تقسیم می‌شوند: عرفان سرخ‌پوستی، عرفان اکنکار و عرفان پائولو کوئلا؛ آنچه که در این نوشتار مورد توجه قرار می‌گیرد عرفان سرخ‌پوستی است که جزء دانش سکولاریستی به حساب می‌آید. این عرفان‌ها به‌طور عمده در آمریکای جنوبی، به ویژه مکزیک پدیدار شده‌اند.

عرفان سرخ‌پوستی از نوع عرفان‌های طبیعت‌گراست؛ به این معنا که متعلق شهود در آن، وحدت روح طبیعت و فنای نهایی سالک در نیروی طبیعت است. طبیعت‌گرایی از آن‌جا آغاز شد که انسان دعوت انبیاء را فراموش و به اندیشه منهای وحی و دنیایی خود تکیه کرد و کوشید تا نیاز خود را به قدسیت و پرستش ارضاء کند؛ از این‌رو چون روزی، نعمت و نیز بلا و محنت زندگی خویش را در

طبیعت دید، ایمان آورد و پنداشت که طبیعت دارای نیرویی برتر، ناشناخته، رمزآلود و مستقل است که می‌توان با آن، معنویت‌گرایی و خداخواهی فطری را پاسخ گفت. بنابراین پس از آن که با توجه به سود و زیان خود به شناختی سطحی از طبیعت رسید، با نظر عمیق‌تر در خود، این را یافت که با شیوه‌هایی در اندیشه و عمل می‌تواند با نیروی مرموز طبیعی ارتباط برقرار کرده و از آن بهره‌برداری کند.

درواقع عرفان طبیعت‌گرا یعنی عرفان و شناخت قدرت و اسرار طبیعت که با سپردن خود به آن یا فانی شدن در آن می‌توان از نیروهایش برخوردار شد. اعتقاد به خدایان، پست‌ن‌اروا نیاکان، مناسکی در مددجویی از نیروهای طبیعی، عقیده به مانا^۱ (امشی که سبع نیرو هستند) و جانمندانگاری^۲ مظاهر طبیعی از اصول و عقاید آنهاست.

عرفان بومیان قاره آمریکا^۳ مذهب باستانی چین یعنی (تائوئیسم) از این گونه است و به نظر می‌رسد در میان ادیان انسانی و ابتدایی قاره‌های آفریقا و آسیا نیز چنین مسلک‌هایی وجود داشته است. مردمان سرخ‌پوست آمریکا از همان نژاد زردپوست آسیایی هستند و گفته می‌شود که احتمالاً از آنجا که به این قاره قدم گذاشته‌اند، در مرحله اول به تبیین عرفان (دون خوان)، عبارت از همان راز و رمز مشهور قبیله یاکي، به عنوان نماینده عرفان بومیان آمریکا پذیرفته می‌شود و پس از آن مباحث دیگر عرفان‌های سرخ‌پوستی مطرح می‌گردد.

اما آمار نشر ۴۰۰۰ عنوان کتاب از شبه‌عرفان‌های غربی و شرقی در ایران طی ۱۵ سال گذشته نشان می‌دهد. برخی ناشران با استفاده از ترجمه کتاب‌های نویسندگان و راهبران نومعنویت در جهان چگونه راه را برای ورود این مسلک‌ها فراهم کرده و ضمناً از فروش این کتاب‌ها سود سرشاری را کسب کردند. نمونه

1. Mana

2. Animism

بارز آن ترجمه ۱۸ کتاب پائولو کوئلیو توسط انتشارات کاروان و ۱۵ اثر از اوشو است که بارها چاپ مجدد شده و در نمایشگاه‌های مختلف بین‌المللی کتاب به بازدیدکنندگان عرضه و به فروش رفته و اثرات مخربی را روی جوانان ایرانی گذاشته است؛ به طوری که عده‌ای از جوانان ایرانی در اثر قبول این جریان‌های منحرف شبه‌عرفانی به ابتذال فکری و رفتاری روی آوردند.